برنامه سمت خدا

موضوع برنامه: هنر خوب زیستن

كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی

تاريخ پخش: 26-07-96

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

شریعتی: (قرائت دعای سلامت امام زمان) برای آمدنش دعا کنیم و انشاءالله چشم ما به جمال نورانی حضرت مهدی روشن شود به حق این روزها و شب‌ها. سلام می‌کنم به همه دوستان خوبم، خانم‌ها و آقایان، بیننده‌ها و شنونده‌های بسیار نازنین‌مان. به همه دوستانی که در هرکجا صدای ما را می‌شنوند و تصویر ما را می‌بینند، سلام ویژه می‌کنیم. اآقای دکتر لقمانی سلام علیکم و رحمة الله.

حاج آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم خدمت شما و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم. امیدوارم لحظه‌ لحظه‌هایشان سرشار از شادی و سلامتی و نشاط باشد.

شریعتی: انشاءالله پاییزتان سرشار از بهار باشد و دل و جانتان با طراوت و خرم باشد. در مورد راه و رسم زندگی آسان و آرام صحبت می‌کنیم و نکات لطیف ایشان را می‌شنویم.

حاج آقای لقمانی:

ای بار خدا به حق هستی، شش چیز مرا مدد فرستی

ایمان و امان و تندرستی، فتح و فرج و فراخ دستی

از نعمت‌های الهی این شش چیز است که برای ما بسیار ارزشمند است. صحبت ما در مورد هنر خوب زیستن بود. فراز دوم صحبت‌مان را آغاز کردیم. چگونه به این هنر دست یابیم؟ ابزار رسیدن به این چیست؟ مواردی را اشاره کردیم در مورد سهل و آسان زندگی کردن که آموزه‌های دینی برای ما یک زندگی آسان می‌خواهند و ما گاهی خودمان سخت می‌کنیم. الآن راهکاری که برای رسیدن به این زندگی هست را بیان می‌کنیم. نقشه راه رسیدن به یک زندگی آرام و آسان چیست؟

اولین راهی که در آیات قرآن اشاره شده ایمان و عمل صالح است. انسان وصل به آسمان شود کارهای زمینی‌اش حل می‌شود. بنده اعتقاد دارم عزیزانی که الآن بیننده سمت خدا هستند، اول خدا به سمت آنها آمده است و بعد اینها به سمت خدا آمدند. به دل می‌افتد و شما انجام می‌دهید. قرآن می‌فرماید: «وَ أَمَّا مَنْ‏ آمَنَ‏ وَ عَمِلَ صالِحاً» (کهف/88) دو قدم بردارد کسی که ایمان و عمل صالح دارد،عمل صالح هر عملی که حرام و ممنوع نباشد عمل صالح است. گاهی کنار دریا عمل صالح است به چه نیت؟ رفع خستگی، تجدید قوا، گاهی سر سفره بهترین غذاها است و عمل صالح است. نتیجه چیست؟ قرآن می‌فرماید: «فَلَهُ جَزاءً الْحُسْنى‏» در آخرت پاداش نیکوتر می‌دهیم «وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنا يُسْراً» (کهف/88) ما دستور آسانی به او خواهیم داد. همه چیز آسان باشد و تلخ نباشد. «وَ لِلَّهِ‏ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» (فتح/4) تمام ذرات هستی سپاهیان خدا هستند، لشگریان خدا هستند. به تعبیر بعضی علما که چقدر زیبا آیه 88 سوره کهف را بیان کردند. نتیجه عمل کردن به حرف خدا این است که خداوند دستور می‌دهد، زندگی‌اش تلاطم پیدا نکند. دزدی، تجاوز، قتل، چون گوش به حرف ما می‌دهد.

قومی به جد و جهد گرفتند زلف یار \*\*\* قومی دگر حواله به تقدیر می‌کنند

کم می‌برد ولی زیاد گیرش می‌آید. یک عده خیلی درگیر هستند. صبح تا ظهر کجا، دو بعد از ظهر به بعد کجا، هی می‌دود ولی چیزی گیرش نمی‌آید. یک جمله‌ای امیرالمؤمنین(ع) دارد که این جمله می‌تواند هفتاد سال ما را اداره کند. کسی که بین خود و خدا را اصلاح کند، خدا بین او و مردم را اصلاح می‌کند. «وَ مَنْ‏ أَصْلَحَ‏ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ‏» (من لايحضره الفقيه، ج 4، ص 396) شما نماز اول وقت بخوان، در معامله دروغ نگو. در رفت و آمد چشمت را پاک کن. در ازدواج مراقب باش، ببین اینها با زندگی تو چه می‌کنند. من دلم می‌خواهد این داستان را بگویم و گاهی به اندازه سه جلد کتاب، این داستان اثر دارد.

مرحوم هاشمی نژاد در خیابان لاله‌زار تهران امام جماعت بودند. گفتند: من دیدم یکی از کاسبان بازار هر روز قبل از اینکه من روحانی در سجاده بیایم، ایشان مشغول نماز بودند و قرآن می‌خواندند و نافله می‌خواندند. یک روز گفتم: حاجی! چه شده که شما اینقدر به نماز دل می‌دهی؟ گاهی انسان می‌گوید: نمازه را بخوانیم راحت شویم! گاهی نه دل می‌دهیم و عشق داریم. گفت: قضیه دارد! قضیه برای دهه پنجاه است. سی سال قبل، من سربازی‌ام تمام شد و به مشهد رفتم. به زیارت علی بن موسی الرضا(ع) رفتم. از حرم بیرون آمدم یک جرقه‌ای به ذهن من خورد. از یک نفر پرسیدم: اینجا روحانی کاردرست چه کسی هست؟ آ شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی، خدمت ایشان رفتم. گفتم: حاج آقا من از تهران آمدم و تازه سربازی‌ام تمام شده و سه حاجت دارم. اول زندگی من زندگی پرباری از نظر اقتصادی باشد. از مؤمنانی نباشم که بخواهم هزار تومان خرج کنم، قبلش دو رکعت نماز وحشت بخوانم. راحت بدهم. دوم اینکه می‌خواهم در جوانی به حج بروم. سوم اینکه یک همسری می‌خواهم که مادر باشد و عروسک نباشد. نسل، عاقبت و ابدیت! نگاه یک مؤمن واقعی این است. هرکدام را که گفتند، آ شیخ حسنعلی می‌گفتند: نماز اول وقت! برای کسب و کار، برای حج، برای همسر نماز اول وقت بخوان. گفتم: اینها همه یک کلید شد. ایشان فرمود: بله ولی شاه کلید است! از همان روز شروع کردم به خواندن نماز اول وقت، دلم می‌خواهد زندگی مرا ببینید. اولین گام برای زندگی آرام، ایمان و عمل صالح است.

دوم تقوا و پاکدامنی است. جنس این هم نور است. جنس آرامش هم نور است. شورش، پلشتی، در هم ریختگی جنسش تاریکی است. در تهران چند وقت قبل، یک آقایی، خواهر و پدرش را در چند لحظه کشت. قرآن می‌فرماید: «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ‏ يُسْراً» (طلاق/4) هرکس تقوای الهی پیشه کند خداوند کار را آسان می‌کند. به بن بست نمی‌خورد. سالها گمان می‌کردم چون گرفتاریم به خدا نمی‌رسیم، اکنون فهمیدم گرفتاریم چون به خدا نمی‌رسیم. گاهی از نماز کم می‌گذاریم، از قرآن کم می‌گذاریم، کار دارم. انگار نماز و قرائت قرآن برای افراد بیکار است. بهترین کار این است. «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً» (طلاق/2) می‌خواهی گره‌هایت باز شود، تقوا، چشمت را پاک کن. زبانت را پاک کن. نیش زدن گره ایجاد می‌کند.

ذره ذره کاندرین ارض و سماست \*\*\* جنس خود را هر یکی چون کهرباست

موریان مر موریان را طالبند \*\*\* حوریان مر حوریان را جاذبند

اگر می‌خواهی گره‌هایت باز شود، گره باز کن. «ارْحَمْ‏ تُرْحَم‏»، «إِنْ أَحْسَنْتُمْ‏ أَحْسَنْتُمْ‏ لِأَنْفُسِكُم‏» (اسراء/7) خوبی بکنید به خودتان خوبی کردید. «وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ‏ لا يَحْتَسِبُ» (طلاق/3) همه بینندگان تجربه کردند. گاهی از راه بی گمان یک نفر می‌آید، فلان چیز را می‌خواهی؟ بله. می‌گوید: اگر من20 سال پیش خانه نخریده بودم، الآن نمی‌توانستم بخرم. اگر ماشین نخریده بودم، اگر فلان چیز را نخریده بودم. «وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» دلها به دست مقلب القلوب است. «ازمّة الأمور کلّا بیده» تمام کارها به دست اوست. تو بندگی کن!

شبی با خدا گفتگو کردم، گفتم: خدایا بیا عالم را قسمت کنیم. خدا رو به من کرد و لبخندی زد و بنده هم به او گفتم: دریاها برای من و امواج برای تو. آسمان برای من و ابرها برای تو، یک لحظه آمدم سومی را بگویم. خدا گفت: تو بندگی مرا بکن، زمین و آسمان برای تو! «وَ مَنْ يَتَّقِ‏ اللَّهَ‏» کسی که تقوا داشته باشد، ما گناهان گذشته او را می‌بخشیم. اجرش هم می‌دهیم. کارش را آسان می‌کنیم. راه دوم رسیدن به زندگی آرام و آسان! سوم دعاست. مغز عبادت است. چقدر دیدیم کسانی که اهل دعا هستند، همین که صبح بلند می‌شود یک دعا می‌خواند و به همه فوت می‌کند. من صف اول پشت صف مقام معظم رهبری نماز خواندم و بعد دیدم که ایشان مثل افراد سنتی مساجد، این طرف را روی مُهر، این طرف را روی مُهر، اگر آدم این کار را نکند نمی‌تواند این مسئولیت بزرگ را انجام بدهد. هرچه انسان در خانه‌ی خدا خاضع تر و خاشع تر باشد، پرواز می‌کند.

خدا شهید دکتر چمران را رحمت کند. از خدا پروا کنید تا پروا کنیم.

گل از گل، شبنم از شبنم نروید \*\*\* اگر عطر ولایت را نبوید

پر از عطر دعا آیینه‌هامان \*\*\* مفاتیح الجنان شد سینه‌هامان

بعضی‌ها سینه‌شان مفاتیح الجنان است. دعا چیست؟ «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي‏ وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي» (طه/34) اینقدر من از این دعا الهام گرفتم و انرژی و نور گرفتم، دیدید بعضی‌ها سخت حرف می‌زنند. پشت سر هم گرفتاری دارند، می‌گویند: این دعا را بخوان. بدهکاری دارند، گره دارند. «وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي» کار را برای من آسان کن. گاهی انسان نمی‌تواند، دعا خیلی تأثیر دارد. یک دعا هست، دعای 27 ماه رمضان است. «اَللّهُمَّ ارْزُقْني فيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ» شب 27 ماه مبارک همسنگ شب قدر است. «وَصَيِّرْ أُمُوري فيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ» دعا فوق العاده است. کسانی که اهل دعا نیستند خیلی محروم هستند.

من در مسجدالحرام بودم. غیر از ماه مبارک رمضان یک پاکستانی به من گفت: مفاتیح دارید. گفتم: نه! حساس شدم. گفتم: برای چه می‌خواهید؟ گفت: دعای ابوحمزه امام سجاد! گفتم: ماه مبارک نیست. گفت: من با این دعا انس دارم. به قدری دعای خوبی است. روانشناس‌ها و جامعه شناس‌ها سه جلد کتاب می‌نویسند، «علل ناکامی جوامع» امام سجاد در دو جمله فرمود: خدایا، «اللَّهُمَّ إِنِّى أعُوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ‏ وَ الفَشَلِ‏ وَ الْهَمِّ وَ الْحُزنِ وَ الجُبْنِ وَ البُخْلِ وَ الغَفلَةِ و القَسوَةِ و الذِّلَّةِ وَ المَسكَنَةِ وَ الفَقرِ وَ الفَاقَةِ وَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ الفَوَاحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ» دوازده عامل را بیان می‌کند. من دوست دارم عزیزان به خصوص جوانان این دعا را بخوانند و بهره ببرند.

انسان هرچه بزرگتر شود آرام می‌شود. بزرگترین اقیانوس آرام است. اگر انسان قطره باشد زود عوض می‌شود، وصل به اقیانوس که شد آرام می‌شود. یک محققی می‌گوید: عربستان رفتم. در بیابان‌های عربستان دیدم طوفان مهیبی آمد، بعضی از دام‌های افراد از بین رفت. آمدم با او صحبت کردم دیدم خیلی عادی است. گفت: مقدر بود! ضرر تلخ است و نباید بشود ولی وقتی اعتقاد راسخ داشته باشی، مهم نیست. بعضی هستند یک خط روی ماشین‌شان می‌افتد می‌خواهد خودش را بکشد. یک استکان در خانه بکشند، می‌گوید: خاک بر سرم دیگر ست نیست! «ُثمَّ السَّبِيلَ‏ يَسَّرَه‏» (عبس/20) خدا راه را برای ما آسان قرار داده و ما سخت می‌کنیم. بت پرست‌ها بت را با دست خودشان می‌تراشند و پای آن گریه می‌کنند. ما همینطور هستیم. یک سلسله از آداب و رسوم را فکر می‌کنیم وحی منزل است که اگر وحی بود اینقدر راسخ نبودیم. «وَ نُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرى‏» (اعلی/8) ما راه را برای شما آسان قرار دادیم. اینجا قله بحث است. ما گاهی با یک سلسله کارهای سخت برای خودمان می‌کنیم. 1- چه چیزهایی زندگی را برای انسان سخت می‌کند؟ وسواس، وسواس فکری، وسواس فعلی، یک نوع اختلال روحی و روانی، سخت! یکی از راهکارهای معالجه وسواس به جهنم است. یعنی چه؟ یک بنده خدایی را دیدم. دیدم دستش پوست پوست بود. فهمیدم وسواس دارد. بعد که با من صمیمی شد، گفت: وسواس دارم، چه کار کنم؟ گفتم: به جهنم! گفتم: حمام می‌روید؟ گفت: بله. گفتم: دو ساعت زیر دوش هستید؟گفت: بله! گفتم: می‌خواهی بیرون بیایی بدنت به کاشی حمام می‌خورد، دوباره برمی‌گردی بشویی؟ گفت: بله دقیقاً! گفتم: همانجا بگو: به جهنم! اعتنا نکن! بعد دیدم ایشان گفت: اینقدر این به جهنم به درد من خورد. دین ما دین آسانی است.

یک نفر در یک کاروان یکی از روحانیون گم شد. نمی‌توانست حرف بزند. عمره را انجام دادند، فردا می‌خواستند به عرفات بروند. خدا آیت الله صافی اصفهانی را رحمت کند. گفتند: ایشان حرف نمی‌تواند بزند، عمره انجام داده است. ما می‌خواهیم به عرفات برویم، نمی‌توانیم نیت چه بکنیم؟ این دین ماست. با زبان بی زبانی ایشان پرسید: مکه آمدی چه کار کنی؟ ایشان با اشاره گفت: آمدم حاجی شوم! فرمودند: همین نیت است. بروید! همین که لباس احرام بر تن کردید، نیت است. همین که به مسجد الحرام آمدید، نیت است. بعضی‌ها سخت می‌گیرند. تلخ می‌شود. وسواس خیلی بد است.

دومین چیزی که برای انسان سختی ایجاد می‌کند دوری از نشاط در عبادت است. گاهی انسان زیاد به خودش فشار می‌آورد. این خیلی بد است. نه از آن طرف بی میلی و کسالت، نه از این طرف فشار که انسان به خودش بیاورد. در حد تعادل، یک داستان زیبا بگویم. امام صادق(ع) فرمودند: من نوجوان بودم. تازه مو روی صورتم روییده بود. طواف می‌کردم و عرق می‌کردم. هر نمازم را با یک وضو می‌خواندم. یک روز پدرم به من گفتند: پسرم، «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ‏ بِعَبْدٍ خَيْراً» وقتی خداوند برای یک نفر خوبی بخواهد و دوستش داشته باشد، عمل کم او را هم قبول می‌کند. کمتر خودت را اذیت کن. این دین ماست.

یک نوجوان نزد آیت الله شبیری زنجانی آمد، گفت: حاج آقا! من نماز شب‌هایم را چطور بخوانم؟ ایشان فرمود: شما سعی کن نماز صبحت قضا نشود. در خانه و فامیل ما اصلاً روحانی نبود. من یک دایی داشتم روحانی شده بود. می‌آمد یک سری به مادرم بزند، گاهی شب‌ها می‌خوابید. من گفتم: کنار دایی می‌خوابم. یک شب بلند شدم دیدم مشغول نماز است. دایی من گفت: چرا بیدار شدی؟ گفتم: می‌خواهم مثل شما نماز بخوانم. گفت: عزیزم، این نماز شب است. نماز شب تو این است که سه بار بگویی: سبحان الله و بخوابی! بعد اینقدر علاقه‌مند شدم طلبه شوم. روحانی شوم و نماز شب بخوانم. گاهی ما اینقدر سخت می‌گیریم که نشاط نیست. یواش یواش از عبادت زده می‌شویم. به اندازه! بعضی بدن‌ها توان ندارد. بنده در کاروان دانشجویی دختران بودم، ما دختر دانشجویی داشتیم که قرآن را در طواف ختم می‌کرد. گفتنش آسان است. بعضی هم نمی‌توانند یک صفحه را در طواف بخوانند.

سومین چیزی که فوق العاده مانع برای آسان بودن زندگی هست، زندگی فراتر از عرف جامعه است. بسیاری از خانواده‌ها الآن اسیرش هستند. تفاخرات، تجملات، چشم وهم چشمی، مقایسه‌ها! «عاشِرُوهُنَ‏ بِالْمَعْرُوف‏» (نساء/19) آنچه عرف است. تا اینطور شد، انسان راحت زندگی می‌کند. عامل بد مانع هست برای آرامش و آسایش در زندگی. وقتی انسان از یک نفر طلب دارد، «فَنَظِرَةٌ إِلى‏ مَيْسَرَة» (بقره/280) مهلت بدهد. خدا جای دیگر جبران می‌کند. همین ذات اینکه انسان نسبت به افراد مهربان باشد، زیبا حرف بزند، زندگی را آرام می‌کند. در جواب تلفن‌ها و گفتگوها دیدید، عزیزم! فدایت شوم! گاهی واژه‌ها تند است.

یک استاد دانشگاه تعریف می‌کرد، من یکبار با خانواده به اصفهان رفتم. نزدیک چهارراه یک ساختمان قدیمی دیدم و محو این ساختمان شدم. چراغ قرمز، سبز شد و متوجه نشدم. هی بوق می‌زدند و متوجه نشدم. دیدم یک اصفهانی با موتورگازی در پنجره آمد، گفت: عمو اینجا ایستادی سبزتر از این شود، نمی‌شود! یک جمله‌ی شیرین گفت! می‌توانست با لحن دیگری هم بگوید و خاطره‌ی تلخی برای او بسازد.

انسان می‌تواند نسبت به همسر، نسبت به فرزند، ششمین چیزی که باعث سختی زندگی می‌شود، تکلف است. زحمت است. تکلف چیست؟ اینکه انسان خود را به زحمت طاقت فرسا و سخت بیاندازد به خاطر اینکه در نگاه مردم مثبت و خوب باشد و تعریف او را بکنند. این اول بیچارگی انسان است. پیامبر فرمودند: ما اولیاء و انبیاء از تکلف بیزار هستیم. کسانی که اهل تکلف هستند و پیرو پیامبر هستند، کاری می‌کنند که پیامبر بیزار است. نه دوست نداریم، بیزار هستیم. تبری جستند! یک نفر نزد امیرالمؤمنین آمد و گفت: آقاجان من می‌خواهم شما را دعوت کنم. فرمودند: یک شرط دارد. خودت را به زحمت نیاندازی. مهمان که در زد هرچه هست بیاورید. دعوت کردید، هر مقدار که می‌توانید پذیرایی کنید. آنوقت ببینید چقدر افطاری دادن‌ها و افطاری رفتن‌ها زیاد می‌شود. پیامبر فرمودند: ما اولیاء و انبیاء از تکلف بیزار هستیم. بعد فرمودند: «وَ ما أَنَا مِنَ‏ الْمُتَكَلِّفِينَ‏» (ص/86) من خودم اهل تکلف نیستم. گاهی اصحاب جمع بودند و پیامبر خیلی روان، یک روز خسته شدند. همه روی زانو نشسته بودند. پیامبر به امیرالمؤمنین رو کردند و پایشان را دراز کردند. علی جان! این پای من شکل چیست؟ حضرت علی و اصحاب هرکدام یک سخنی گفتند. پیامبر دیگر پا را هم دراز کردند و گفتند: شکل این پای من است! بعد پایشان را جمع کردند و گفتند: خسته شده بودم.

من بعضی‌ها را می‌شناسم همینطور هستند. اینقدر راحت هستند. گفت: منزل یکی از اساتید رفتم. یک ظرف هندوانه آورد. من یک قاچ برداشتم و خوردم. گفت: بیا طلبگی بخور. دوتایی نشستم و تا آخر خوردیم. «لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها» (بقره/286) هرکسی در حد وسع و توانش زندگی کند. از آن طرف داریم کسی که اهل تکلف باشد، خداوند در همین دنیا آبرویش را ضایع می‌کند. یعنی خودش را به زحمت انداخته، عمر، جوانی، دارایی، فرصت‌ها را از دست بدهد و بعد هم با آبروی ضایع شده از دنیا برود. چون همه را خواسته راضی کند. همان سخن امیرالمؤمنین که فرمود: کسی که بین خود  خدا را اصلاح کند، همین یک جمله شصت سال به زندگی انسان نورانیت می‌دهد. کسی که بین خود و خدا را اصلاح کند، خدا بین او و مردم را اصلاح می‌کند. بعضی هستند برای کسی یک سفره نیانداختند. ولی همه دوستشان دارند. مورد اعتبار و مورد اعتماد هستند.

«وَ ما أَنَا مِنَ‏ الْمُتَكَلِّفِينَ‏» بعد پیامبر فرمودند: «إِنِّي‏ لا أُحِبُ‏ الْمُتَكَلِّفِينَ‏» (كافي، ج 6، ص 275) من متکلفین را دوست ندارم. بیزار هستم.

شریعتی: روزهای چهارشنبه در مورد هنر خوب زیستن صحبت می‌کنیم که مورد نیاز همه ماست. انشاءالله خداوند به همه ما توفیق عمل بدهد. این هفته از شارح بزرگ صحیفه سجادیه، مترجم و مفسر قرآن کریم مرحوم فیض الاسلام یاد می‌کنیم. انشاءالله از ثواب و برکات این آیات به روح ایشان و همه آنهایی که پیش قدم بودند و خدمت کردند به معارف دین هدیه کنیم. امروز صفحه 111 قرآن کریم، آیات 18 تا 23 سوره مبارکه مائده در سمت خدا تلاوت می‌شود.

«وَ قالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصارى‏ نَحْنُ أَبْناءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشاءُ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ «18» يا أَهْلَ الْكِتابِ قَدْ جاءَكُمْ رَسُولُنا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلى‏ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا ما جاءَنا مِنْ بَشِيرٍ وَ لا نَذِيرٍ فَقَدْ جاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَ اللَّهُ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدِيرٌ «19» وَ إِذْ قالَ مُوسى‏ لِقَوْمِهِ يا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِياءَ وَ جَعَلَكُمْ مُلُوكاً وَ آتاكُمْ ما لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعالَمِينَ «20» يا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ لا تَرْتَدُّوا عَلى‏ أَدْبارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خاسِرِينَ «21» قالُوا يا مُوسى‏ إِنَّ فِيها قَوْماً جَبَّارِينَ وَ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَها حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْها فَإِنْ يَخْرُجُوا مِنْها فَإِنَّا داخِلُونَ «22» قالَ رَجُلانِ مِنَ الَّذِينَ يَخافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبابَ فَإِذا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غالِبُونَ وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ «23»

ترجمه: ويهوديان ومسيحيان گفتند: ما پسران خدا ودوستان (خاص) اوييم. بگو: پس چرا شما را به (كيفر) گناهانتان عذاب مى‏كند؟! (چنين نيست) بلكه شما نيز انسان‏هايى از مخلوقات اوييد (وامتيازى نداريد). (خداوند) هر كه را بخواهد (وشايسته بداند) مى‏آمرزد و هر كه را بخواهد عذاب مى‏كند، و حكومت آسمان‏ها وزمين و آنچه ميان آن دو است از آن خداوند است، و بازگشت و سرانجام تنها به سوى اوست. اى اهل كتاب! همانا رسول ما در دورانى كه پيامبرانى نبودند به سوى شما آمد تا (حقايق را) براى شما بيان كند، تا مبادا بگوييد: مارا بشارت دهنده و بيم‏دهنده‏اى نيامد، براستى بشير و نذير برايتان آمد، و خداوند بر هر چيز تواناست. و (به ياد آوريد) زمانى كه موسى به قوم خود گفت: اى قوم من! نعمت خدا را بر خود ياد آوريد، هنگامى كه در ميان شما پيامبرانى قرار داد و شما را پادشاهان قرار داد (كه صاحب اختيار مال و جان و ناموس و حكومت شديد) و به شما چيزهايى داد كه به هيچ يك از جهانيان نداده بود. (موسى فرمود:) اى قوم من! به سرزمين مقدّسى كه خداوند براى شما مقرّر كرده وارد شويد و به پشت سر خود برنگرديد كه زيانكار مى‏گرديد. (بنى‏اسرائيل در پاسخ) گفتند: اى موسى! همانا در آن سرزمين گروهى ستمگر وجود دارد و ما هرگز وارد آن نمى‏شويم، تا آنان از آن سرزمين بيرون شوند، پس اگر از آنجا بيرون روند بى‏ترديد ما داخل مى‏شويم! دو نفر از مردانى كه (از خدا) مى‏ترسيدند و خدا به آنان نعمت (عقل وايمان و شهامت) داده بود، گفتند: از دروازه‏ى شهر بر دشمن وارد شويد (و نترسيد) پس چون كه داخل شديد همانا پيروزيد و اگر ايمان داريد بر خدا توكّل كنيد.

شریعتی: از همین‌جا به امام رئوف، امام رضا(ع) سلام می‌کنیم. انشاءالله زیارت مشهد الرضا نصیب همه دوستان خوب ما شود. همینطور زیارت اربعین سید الشهداء(ع) که انشاءالله ما هم جزء زائرین اربعین باشیم. اشاره قرآنی را بفرمایید.

حاج آقای لقمانی: آیه 20 سوره مائده می‌فرماید: «وَ إِذْ قالَ مُوسى‏ لِقَوْمِهِ يا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» یاد نعمت‌های خدا باشید که بر شما نازل کردم. یادآوری نعمت‌ها، اگر انسان مرور کند گذشته را که خدا چه نعمت‌هایی به او داده است. همین مقدار که دارد مرور می‌کند این شکر و سپاس نعمت‌هاست. ما یک سجده شکر داریم. یک صیغه شکر داریم. هردو عالی است. بعضی از بینندگان سؤال کردند، ما به سجده که می‌رویم چه بگوییم؟ شکراً لله! خدایا شکر. الحمدلله رب العالمین، بعضی صبح تا شب الحمدلله می‌گویند. «اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ» نعمت‌های خدا را به یاد بیاورید. بعضی از نعمت‌ها مثل عمر، ولایت، بندگی، عشق به برنامه‌های مذهبی، عشق به نماز، انسان منتظر نماز باشد. چقدر زیباست! یک روایت بگویم که جایش در زندگی بسیاری از مذهبی‌ها خالی است. امام صادق(ع) فرمود: «فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ‏ عَلَي‏ عَبْدٍ نِعْمَةً» خدا وقتی یک نعمتی را به بنده‌اش می‌دهد یک انتظاری دارد. «أَحَبَّ» دوست دارد که اثر آن نعمت را در زندگی‌اش ببیند. به بعضی می‌گویی: کاسبی چطور است؟ شصت سال می‌گوید: کساد است. باغ و ویلا و خانه خریده است، هر روز می‌گوید: کساد است. خوب بگو: الحمدلله! بعضی هستند غرق در نعمت‌های الهی هستند. بعد می‌بینی دو تا بچه فلج در خانه دارد.

خانمی به من زنگ زد، این را می‌گویم که بیننده‌ها همین الآن سر به مهر بگذارند و دست به آسمان دراز کنند و الحمدلله بگویند. خانمی گفت: دختری نوزده ساله دارم که نارسایی مغزی دارد. نوزده سال است من به این سنجاق شدم. یک ساعت از خانه بیرون نمی‌روم. گفت ولو برای دستشویی! آنوقت بعضی از ما سالم هستیم و مرتب نق می‌زنیم و ناشکری می‌کنیم. خدا همینطور با انسان رفتار می‌کند. وقتی خدا نعمتی به انسان می‌دهد دوست دارد اثرش را ببیند. یابن رسول الله اثرش چیست؟ امام صادق فرمود: «يُنَظِّفُ ثَوْبَهُ» لباسش را تمیز نگه دارد. مؤمن باید آراسته باشد. «وَ يُطَيِّبُ رِيحَهُ» بوی خوش بدهد. معطر باشد. برای پیامبر چه کسی عطر می‌آورد؟ زینب عطار! یک خانم عطر فروش. یکوقتی که برای پیامبر و اهل‌بیتش عطر می‌آورد، پیامبر می‌آمدند و می‌فرمودند: با آمدن تو خانه ما معطر شد! ایشان هم ادب داشتند و گفتند: با بوی شما عالم معطر شده است! «وَ يُجَصِّصُ دَارَهُ» خانه‌اش را آراسته و تمیز کند.

لباس تمیز، خودش معطر و خانه آراسته باشد. بعضی هستند از صبح عروسی زیرپوش عروسی را پوشیده و 35سال است می‌پوشد. هرچه می‌گوییم: عوض کن! می‌گوید: حیف است. خانم در منزل همه بویی می‌دهد غیر از بویی که باید بدهد. بوی پیاز سرخ کرده می‌دهد. من صحن جمهوری حرم امام رضا(ع) صحبت می‌کردم. یک اشاره کردم به بحث دین، نشاط، زندگی، یکی از اساتید دانشگاه زنگ زد و گفت: من عبور می‌کردم صحبت شما را شنیدم. خیلی لذت بردم. مستقیم بازار رفتم، چند تا تی شرت خریدم و الآن می‌پوشم. بچه‌های من به قدری نشاط پیدا کردند. انسان وقتی سپاسگزاری کرد و در مسیر خداوند استفاده کرد، «لَئِنْ شَكَرْتُمْ‏ لَأَزِيدَنَّكُم‏» (ابراهیم/7) خود شما را بزرگ می‌کند. وقتی بزرگ شدید، خودتان هم می‌فهمید باید چه کنید. «وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لا تُحْصُوها إِنَّ الْإِنْسانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم/34) نمی‌توانید بشمارید، اما شکر کنید.

استاد عزیز ما آیت الله خرازی می‌فرمودند: یکروز با آیت الله بهجت جایی می‌رفتیم. ایشان یک نگاهی به من کردند و فرمودند: اگر ما بنویسیم نعمت‌هایی که خدا به ما داده و آنهایی که فکر می‌کنیم به ما نداده است، بعضی خیلی ناراحت هستند که پنج سال است دعا می‌کنیم خدا فلان نعمت را به ما بدهد، نداده است. بنویسیم ببینیم چقدر ما باید شکرگزار نعمت‌های خدا باشیم. بعد از ده سال به خانواده‌ای که بچه‌دار نمی‌شود، بچه‌ای می‌دهد تا می‌دود می‌گویند: آرام! خوب بگذار بازی کند. منافذ پوستی این بچه بسته است. اگر عرق کند حالش بد می‌شود. الحمدلله بعضی از ما سالم هستیم، نعمت خدا را شکر کنیم. برای دیگران خدمت گزار باشیم. هرچه انسان شاکر نعمت‌های الهی باشد خداوند نعمتش را بیشتر می‌کند.

شریعتی: بحث ما به مناسبت این ایام و ایام شهادت امام سجاد(ع)، سید الساجدین که ایام شهادت حضرت را پشت سر گذاشتیم و روزهای دوشنبه بحث ما با حاج آقای فرحزاد در مورد صحیفه سجادیه هست. حمدهای صحیفه سجادیه را که نگاه می‌کنند و شروع این ادعیه‌ها چقدر بلند و عمیق است، چقدر پر مضمون است که متأسفانه ما از آن غافل هستیم.

حاج آقای لقمانی: دعاها سرشار از حمد و ستایش خداوند است. من خیلی با دعای ابوحمزه انس دارم. اصفهان ما شصت سال است دعای ابوحمزه در تمام سحرها خوانده می‌شود. پیشنهاد می‌کنم عزیزانی که می‌خواهند طعم لذت دنیا را بچشند. فراز به فراز دعای ابوحمزه را بخوانید و انس داشته باشید. در قنوت نماز چند عامل را امام سجاد برای سقوط افراد بیان می‌کند. «لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين» بیهوده‌گویان از هر دری حرف می‌زنند. می‌گویند، می‌خندند. تا می‌خواهد نماز بخواند شروع به خمیازه کشیدن می‌کند. نگاه به ساعت می‌کند. «لعلك فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني» (مصباح‏المتهجد، ص 587) من همه جا رفتم غیر از یک درس اخلاق و موعظه، در جلسه درس علما غایب بودم. اما همه جا حاضر بودم. با هرکس و ناکس رفتیم و آمدیم. دعا فوق العاده است مخصوصاً آنجا که انسان می‌خواهد مقابل خدا قرار بگیرد. سر به سجده و صورت به سجده بگذارد. اشک!

ربنا ما زارعان آیه‌ایم \*\*\* تاجران رود و ابر و سایه‌ایم

گریه را در بغض خود دم می‌کنیم \*\*\* روی مژگان کشت شبنم می‌کنیم

ما همه خنیاگران چامه‌ایم \*\*\* ساکن اشک و زیارتنامه‌ایم

خدا نکند شیعه اشک نداشته باشد.

چون نیست درد دل ما نوشتنی \*\*\* با اشک خود دو سطر به ایما نوشته‌ایم

خدا اینقدر دوست دارد بنده‌اش اشک داشته باشد. «مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ‏ إِلَّا لِقَسْوَهِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَهِ الذُّنُوبِ» (بحارالانوار/ ج 67/ ص 55) چشم‌ها خشک نمی‌شود از اشک مگر به خاطر زیادی گناهان. حرام است نگاه به ملکوت بر چشمی که حرام پر شده باشد. اثر فقهی ممکن است نداشته باشد. روز قیامت، پشت چراغ هستیم و یک نفر می‌آید از جلوی ما رد می‌شود. ولی اثر اخلاقی دارد. تأثیرگذار است. مراقبت نیاز دارد. هرچه عزیزان مخصوصاً جوانان مراقبت از چشم و گوش بیشتر کنند. یک لحظه ببینید چقدر خوب می‌فهمید. چقدر خوب می‌تواند حرف بزند. انشاءالله خدا نصیب همه ما بکند.

شریعتی: خیلی ممنون از شما و نکات خوبی که بیان فرمودید. دعا بفرمایید و آمین بگوییم.

حاج آقای لقمانی: خدایا به حق محمد و آل محمد گره از کار همه‌ی دردمندان بگشا. دل همه را شاد بگردان. به ویژه سمت خدایی‌های عزیز دلشان را شاد شاد بگردان. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد(ص).

شریعتی: یکی ز خیر شهیدان گوشه‌ چمنش \*\*\* سلام ما برساند به صبح پیرهنش

«السلام علیک یا أبا عبدالله»